

بخش هشتم

عصر هفتی

در آمدی بر عصر بیهقی و بلاغت طبیعی فارسی

خاستگاه نثر فارسی به مانند شعر - چنان که پیش از این دیدیم - خراسان و ماوراءالنهر بود. زبان فارسی با روی کار آمدن حکومت‌ها و گاهی پیش‌تر از آن، در فراتر از سرزمین اصلی خود، در داخل فلات ایران نیز رسمیت یافت و تدریجاً در دوره‌ی مورد بحث - به‌ویژه در عصر سلاجقه - در شهرهای ری و اصفهان و حتی طبرستان و آذربایجان آثاری به نثر پارسی پدید آمد. در این نواحی پیش از آن اغلب زبان عربی زبان رسمی بود و دانشمندان آثار خود را به این زبان پدید می‌آوردند. وقتی زبان فارسی در کنار عربی در این نواحی کم‌کم رسمیت پیدا کرد، در اثر مجاورت با لهجه‌های محلی و آمیختگی تدریجی با آن‌ها تحولات تازه‌ای یافت و در معرض تغییر و دگرگونی قرار گرفت. نمونه‌ی بارز این دگرگونی، دور شدن از سادگی اولیه و آمیختگی با واژه‌ها و تعبیرات عربی بود؛ تا آن‌جا که آرام آرام زمینه‌ی آرایش‌های لفظی و توصیف‌های ادبی در کتاب‌ها فراهم می‌شد و نثر به‌صورت میدانی برای هنرنمایی و نمایش توانایی‌های زبانی نویسنده درمی‌آمد. به‌خصوص در نثر صوفیانه که از همین دوره آغاز شده است، زمینه‌های استفاده از امکانات خاص شعر مانند آهنگ و قافیه‌پردازی (سجع) و به‌کار گرفتن اشعار برای تزئین کلام و اصولاً نزدیک شدن کلی نثر به شعر، بیش‌تر فراهم بود. تا آن‌جا که مناجات‌های منشور خواجه عبدالله انصاری - چنان‌که خواهیم دید - به تمامی، جوهر و معنا و مفهوم شعری پیدا کرده است.

نثر فارسی

نثر فارسی در دوره‌ی مورد بحث در چند شاخه‌ی مجزّا و مستقل زیر، رو به گسترش و دگرگونی بود و در هر شاخه هم آثار برجسته‌ای تألیف گردید که ما در جای خود به نمونه‌هایی از این آثار اشاره خواهیم کرد.

نثر علمی

در شاخه‌ی نثر علمی که از دوره‌ی قبل و در واقع از همان ابتدای تألیف کتب به نثر پارسی آغاز شده بود، دو کتاب مشهور زیر را به عنوان نمونه معرفی می‌کنیم که آثار کهنگی و شباهت به نثر دوره‌ی قبل در آن‌ها بسیار دیده می‌شود.

الف) دانشنامه‌ی علایی: ابوعلی سینا (وفات ۴۲۸ ه.ق.) دانشمند و طبیب معروف ایرانی که از مفاخر جهان اسلام به شمار می‌رود، بیش‌تر آثار خود را در زمینه‌های طب، فلسفه، ریاضیات و دیگر دانش‌ها، به زبان عربی نوشته است تا مورد استفاده‌ی گروه بیش‌تری در دنیای اسلام قرار گیرد اما نباید پنداشت که او از حال عامه‌ی هم‌وطنان خود – که زبان تازی نمی‌دانستند – غافل بوده است. او چندین رساله و یک کتاب دایرة‌المعارف مهم به زبان پارسی تألیف کرد که چون آن را به خواهش علاءالدوله‌ی کاکویه – از امرای دیلمی – فراهم آورد، به «دانشنامه‌ی علایی» یا «حکمت علایی» موسوم گردید. اهمیت این کتاب ابتدا از آن جهت است که یک دوره‌ی کامل از فلسفه و طبیعیات را به زبان فارسی شامل می‌شود و دوم، آن که بسیاری از اصطلاحات منطقی و فلسفی را به زبان فارسی دربر می‌گیرد.



مجسمه‌ی ابوعلی سینا (همدان)

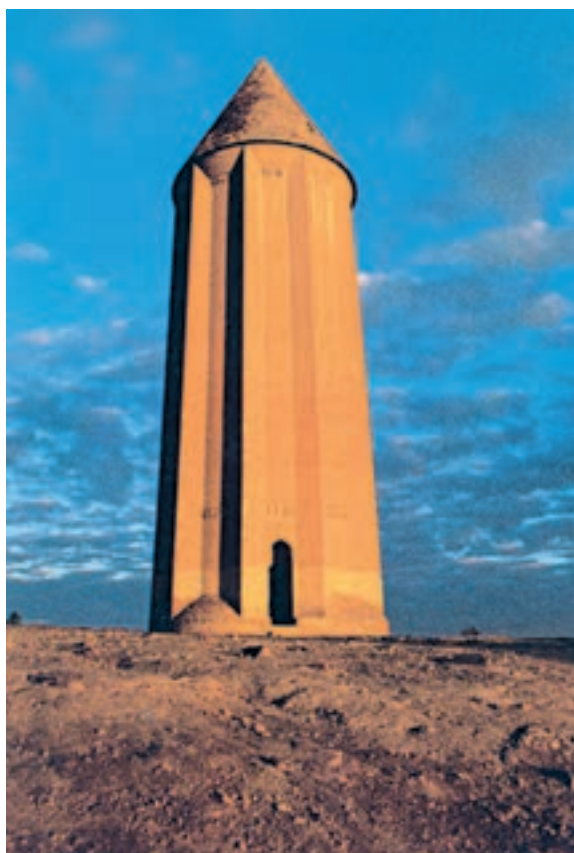
ب) التّفهیم لاوایل صناعة التّنجیم: نام ابوریحان محمد بن احمد بیرونی (فوت: ۴۴۰ ه.ق.) دانشمند بزرگ و استاد ایرانی اهل خوارزم بر تارک علم و معرفت قرن‌های چهارم و پنجم هجری می‌درخشد. او بیش‌تر آثار گران‌قدر خویش را در زمینه‌های طب، جغرافی، ریاضی و فلسفه به زبان عربی تألیف کرده است اما کتاب التّفهیم را ابتدا به خواهش ریحانه، دختر حسین خوارزمی، یکی از رجال دانش‌دوست معاصر خود در سال ۴۲۰ ه.ق. به فارسی نوشته و بعداً آن را به عربی درآورده است. این کتاب اوّلین و مهم‌ترین کتابی است که خاصّ علم نجوم و هندسه و حساب به فارسی نوشته شده و از آن‌جا که نویسنده‌ی آن یکی از دانشمندانِ بنام در این رشته است، اهمّیت و اعتبار خاصّی یافته است.

نثر اخلاقی و اجتماعی (تعلیمی)

شعر اخلاقی و اجتماعی تقریباً از همان آغاز وجود داشت و بیش‌تر شاعران فارسی زبان، این‌گونه موضوعات را که برای هدایت مردم و جامعه مفید می‌دیدند، مورد توجّه

قرار می‌دادند. در نثر فارسی از این دوره با آثاری روبه‌رو هستیم که هدف آن‌ها آموزش مسائل ضروری برای تهذیب دل‌ها یا هدایت امور اجتماعی و سیاسی به مسیری معین است. از میان آثار مشهوری که در سده‌ی پنجم هجری در این زمینه تألیف شده است، دو اثر را برای آشنایی بیش‌تر برگزیده‌ایم:

الف) قابوس‌نامه: عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر بن قابوس وشمگیر، از شاهزادگان خاندان زیاری است که پدرانش در نواحی شمالی ایران حکومت داشتند. خود او به حکومت نرسید اما از تربیت امیرزادگان و یک زندگی نسبتاً مرفه برخوردار بود و از دانش‌ها و فنون و پیشه‌های روزگار آگاهی داشت. مجموعه‌ی این دانایی‌ها در وجود این امیر روشن ضمیر به بار نشسته بود و او حاصل تجربه‌های خود را در سنّ شصت و سه سالگی، در کتابی به نام قابوس‌نامه برای نشان دادن راه و رسم زندگی به فرزند خود، گیلان‌شاه به یادگار گذاشت. در این کتاب، تأثیر متون آموزشی پیش از اسلام آشکار است.



مقبره‌ی قابوس بن وشمگیر در شهر گنبد کاووس

عنصر المعالی کتاب خود را در چهل و چهار باب پرداخته و در هر باب حکایت‌هایی دلیذر و هدفدار درج کرده است.

ب) سیاست‌نامه: توس از قدیم به داشتن شخصیت‌های برجسته‌ی فرهنگی معروف بوده است و در هر دوره، نامورانی از این شهر برخاسته‌اند. یکی از توسیانیان نام‌آور که علاوه بر برخورداری از دانش و فضل، سیاستمدار و اهل تدبیر نیز بوده، خواجه نظام‌الملک است که حدود سی سال در مقام وزارت دو سلطان مقتدر سلجوقی، یعنی، آلب ارسلان و ملک‌شاه بوده است. او در یکی از سال‌های ۴۰۸ یا ۴۱۰ ه.ق. - یعنی، در آخرین سال‌های حیات فردوسی - در نوغانِ توس زاده شد. از همان کودکی به امور حکومت‌علاقه‌ی خاصی داشت و چون از لیاقت و کفایت نیز بهره‌مند بود، در سال ۴۵۱ ه.ق. به وزارت آلب ارسلان رسید و تا پایان عمر - یعنی رمضان سال ۴۸۵ ه.ق. که با زخم کارد یکی از فداییان حسن صباح از پای درآمد - در این سمت باقی ماند.

ملک‌شاه سلجوقی در اواخر کار از او خواسته بود تا حاصل مطالعات و تجربیات خود را در کتابی راجع به آیین مملکت‌داری تدوین کند. خواجه بنا بر این فرمان، کتابی در رسوم پادشاهان پیشین و آیین پادشاهی ترتیب داد و زمانی که آن را بر پادشاه عرضه داشت، ۳۹ باب بود که چون آن را مختصر یافتند، مقداری بر آن افزود تا به ۵۰ باب رسید. این کتاب سیرالملوک یا سیاست‌نامه بود که علاوه بر کلیاتی مربوط به راه و رسم پادشاهی، پر است از حکایت‌ها و داستان‌های تاریخی و نیمه‌تاریخی مربوط به پادشاهان پیشین که هر کدام به مناسبت موضوع سخن، در جای خود آمده است.

سیاست‌نامه از متن‌های مهم تاریخی و ادبی قرن پنجم هجری است که به نثری ساده اما محکم و ادبی نوشته شده است.^۱

نثر تاریخی

سنت تاریخنویسی به فارسی و عربی در این دوره ادامه یافت و در این زمینه نیز کتاب‌های ارزشمندی به زبان فارسی پدید آمد که در زیر به ذکر دو نمونه از آنها می‌پردازیم.

(۱) بهترین چاپ این کتاب را هیوبرت دارک، دانشمند انگلیسی، فراهم آورده که چندین بار چاپ شده

است.

الف) تاریخ سیستان: تاریخ سیستان کتابی است که تألیف دو بخش آن چیزی کم تر از سه قرن طول کشیده است. به این معنی که بخش اول آن، تاریخ سرزمین سیستان را از ابتدا تا حدود سال ۴۴۵ ه.ق. دربر می‌گیرد و بنابراین، تألیف آن هم در حدود همین سال‌ها - یعنی، آغاز کار دولت سلجوقی - بوده است و این از سبک انشای کتاب پیداست. بخش دوم این کتاب - که حوادث سال ۴۴۵ تا ۷۲۵ ه.ق. را شامل می‌شود - در اوایل قرن هشتم ه.ق. و با سبک نثر همان زمان نگارش یافته است.

مؤلف هیچ‌یک از بخش‌های تاریخ سیستان معلوم نیست. نثر بخش نخستین کتاب ساده و طبیعی و به شیوه‌ی کتاب‌های تاریخ دوره‌ی قبل مانند بلعمی است که تا حدودی از لغات و ترکیبات دشوار تازی به دور مانده است. تاریخ سیستان در واقع یک تاریخ محلی است که در آن به جزئیات حوادث مربوط به سرزمین سیستان، اشاره شده و آن را یکی از منابع مهم تاریخ این عصر قرار داده است. فواید تاریخی این اثر از جنبه‌های ادبی اش افزون است.

ب) تاریخ بیهقی: در میانه‌ی دوره‌ای که ترکان در عرصه‌ی کشمکش‌های سیاسی و نژادی کامیاب شده و به همدستی خلفای بغداد، حکومت‌های محلی ایرانی تبار را کنار زده بودند، کتابی به زبان فارسی تألیف شد که هر چند پس از عبور از مرحله‌ی مسائل قومی و ملی - دست کم بدان گونه که برای فردوسی مطرح بود - جانبدار ترکان و مروج حاکمیت آنان به‌شمار می‌رفت، بهتر از هر کتاب و مأخذی ناراستی‌ها و کم و کاست‌های سیاست و اندیشه‌ی آنان را برملا می‌ساخت. این کتاب، تاریخ بیهقی، اثر ارجمند ابوالفضل بیهقی، دبیر رسایل سلاطین غزنه بود.

بیهقی در سال ۳۸۵ ه.ق. در روستای حارث‌آباد بیهق (سبزوار کنونی) زاده شد و پس از کسب دانش و معرفت در نیشابور، به دیوان رسایل سلطان محمود راه یافت. او در ایامی که در دستگاه غزنویان به خدمت دیوانی اشتغال داشت، ناظر بسیاری از وقایع بود و به همین دلیل، بر آن شد که تاریخ غزنویان را بنویسد. پس با دقت و تفصیل تمام، جزئیات حوادث روزگار حکومت آل سبکتکین را - از تشکیل دولت غزنوی تا اوایل روزگار سلطان ابراهیم بن مسعود - در سی مجلد به رشته‌ی تحریر درآورد. متأسفانه کتاب بیهقی به‌طور کامل به دست ما نرسیده و در روزگاران گذشته بخش‌های عمده‌ای از آن از میان رفته است.

آنچه از تاریخ بیهقی باقی مانده، مربوط می‌شود به روزگار حکومت سلطان مسعود غزنوی (حکومت ۴۳۲-۴۲۱) که به غلبه‌ی آل سلجوق پایان می‌پذیرد و به همین سبب به تاریخ مسعودی نیز مشهور شده است. بیهقی که در سراسر حکومت مسعود، از جزئیات امور آگاه بوده، در جنگ‌ها و سفرها شرکت داشته و به اقتضای شغل خود از همه‌ی امور پنهانی و زدو بندهایی که میان قدرتمندان در جریان بوده، سر درآورده است، وقایعی را هم که خود، مستقیماً در آن‌ها مشارکت و نظارت نداشته، از افراد مطمئن نقل کرده و در نتیجه، توانسته است از کتاب خویش گنجینه‌ای از حوادث و اطلاعات جزئی تاریخی و دقیق بسازد؛ تا آن‌جا که از این حیث، کتاب او در میان همه‌ی آثار تاریخی فارسی و حتی عربی، ممتاز و مشخص از کار درآمده است.

ابوالفضل بیهقی تنها مورّخی امین و بلندپایه نیست، بلکه نویسنده‌ای توانا و چیره‌دست نیز هست. این امتیاز هم در بین آثار زبان فارسی به تاریخ بیهقی منحصر می‌ماند. قدرت نویسندگی بیهقی و توانایی او در قلمرو امکانات زبان فارسی از یک طرف و امانتداری و دقت وی در جزئیات و پیوند دادن حوادث مرتبط به یک‌دیگر، سبب شده است که کتاب او به صورت داستانی بسیار گیرا و دلچسب درآید.

در تاریخ بیهقی وظیفه‌شناسی و زبان‌آوری و ایمان به کار، دست به دست هم داده و اثری را پدید آورده‌اند که بلاغت طبیعی زبان فارسی را در خود منعکس کرده است.

سرتاسر تاریخ بیهقی و لابه‌لای حوادث آن پر است از اندرز و عبرت و سخنان خردمندان که خواننده را هر دم به خود متوجه می‌سازد و او را برآن می‌دارد تا درآن‌چه خوانده است، دقت کند و خرد خویش را برای دریافت نتایج اخلاقی آن به کار اندازد. جایی در ضرورت استفاده از خرد خدادادی بدین گونه سخن می‌گوید:

«و هر بنده که خدای عزّوجلّ او را خردی روشن عطا داد و با آن خرد که دوست به حقیقت اوست، احوال عرضه کند و با آن خرد، دانش یار شود و اخبار گذشتگان را بخواند و کار زمانه‌ی خویش نگاه کند، بتواند دانست که نیکوکاری چیست و بدکرداری چیست و سرانجام هر دو خوب است یا نه و مردمان چه گویند و چه پسندند و چیست که از مردم یادگار ماند نیکوتر.

و بسیار خردمند باشد که مردم را برآن دارد که برراه صواب بروند، امّا خود بر آن راه که نموده است نرود. و چه بسیار مردم بینم که امر به معروف کنند و نهی

از منکر و گویند بر مردمان که فلان کار نباید کرد و فلان کار نباید کرد و خویشتن را از آن دور بینند. هم چنان که بسیار طبیبان اند که گویند فلان چیز نباید خورد که از آن چنین علت^۱ به حاصل آید و آن گاه از آن چیز بسیار بخورند. و جمعی نادان که ندانند که غور و غایت چنین کارها چیست، چون نادان اند معذورند و لکن دانایان که دانند، معذور نیستند.»

این گونه دریافت‌ها و برداشت‌ها، کتاب بیهقی را تا حدود زیادی به شاهنامه نزدیک کرده است.

پ) سفرنامه‌ی ناصر خسرو: در دنباله‌ی اثر تاریخی این دوره باید از سفرنامه‌ی ناصر خسرو یاد کنیم که هر چند دارای شیوه‌ای مستقل^۲ و منحصر در نویسندگی است، از نظر زبان و دقت در جزئیات، با تاریخ بیهقی همانندی‌هایی دارد. در سرگذشت ناصر خسرو دیدیم که وی به دنبال خوابی که به سال ۴۳۷ ه.ق. در جوزجانان دید، از کارهای دولتی دست شست و راه دراز سفری هفت ساله را به اطراف ممالک اسلامی و در واقع دنیای متمدن و مراکز عمده‌ی علم و فرهنگ آن روزگار در پیش گرفت. ناصر خسرو با قلمی شیوا، دیده‌ها و شنیده‌های خود را طی این سفر دراز نوشته و در کتابی شیرین و خواندنی به نام سفرنامه به یادگار گذاشته است.

سفرنامه‌ی ناصر خسرو که نخستین کتاب در نوع خود به زبان فارسی نیز هست، سیمای شهرها و مردمان آن‌ها و وضع زندگی و اجتماعی آن روزگاران را برای خواننده‌ی امروز تصویر می‌کند و با کشش داستانی خود، او را در غم و شادی و جزئیات احوال با مردمان آن روز مشارکت می‌دهد.

سبک نویسندگی مؤلف در این کتاب هموار و ساده و دلپذیر است. اگرچه توانایی وی در عرصه‌ی نثر فارسی، انکارناپذیر می‌نماید، با این حال، آن‌چه برای او مهم است، بیان مطالب است نه هنرنمایی و لفظ‌پردازی. گویی ناصر خسرو نثر را هم به مانند شعر وسیله‌ای می‌داند برای بیان مقصود که هیچ‌گاه صرفاً و به خودی خود نمی‌تواند ارزشی مستقل^۲ داشته باشد.

(۱) علت: مرض، بیماری

(۲) چندین چاپ از سفرنامه‌ی ناصر خسرو در دست است که از آن میان چاپ آقای دکتر محمد دبیر سیاقی از همه معروف‌تر است.

در این جا، قطعه‌ای از کتاب سفرنامه به‌عنوان نمونه نقل می‌شود.
 «بیستم صفر سنه‌ی ثمان و ثلاثین و اربع مائه^۱ به شهر تبریز رسیدم و آن شهر
 قصبه‌ی آذربایجان است؛ شهری آبادان. طول و عرضش به گام پیمودم؛ هر
 یک هزار و چهارصد بود. مرا حکایت کردند که بدین شهر زلزله افتاده است،
 شب پنجشنبه هفدهم ربیع‌الاول سنه‌ی اربع و ثلاثین و اربع مائه^۲، پس از نماز
 خفتن. بعضی از شهر خراب شده بود و بعضی دیگر را آسیبی نرسیده بود و
 گفتند چهل هزار آدمی هلاک شده بود.

و در تبریز، قطران نام شاعری را دیدم؛ شعری نیک می‌گفت اما زبان فارسی
 نیکو نمی‌دانست. پیش من آمد؛ دیوان منجیک^۳ و دیوان دقیقی بیاورد و پیش
 من بخواند و هر معنی که او را مشکل بود، از من پرسید؛ با او بگفتم و شرح
 آن بنوشت و اشعار خود بر من خواند.»

خودآزمایی‌های نمونه

- (۱) اهمیت دانشنامه‌ی علایی در چیست؟
- (۲) آثار ابوریحان بیرونی، عموماً در چه زمینه‌هایی است؟
- (۳) قابوس‌نامه تألیف کیست؟ در چند باب است و موضوع آن چیست؟
- (۴) سیاست‌نامه در چه موضوعی تألیف شده است؟ نام دیگر آن چیست؟

پژوهش

- ارزش ادبی تاریخ بیهقی^۴
- ارزش ادبی و سبک سفرنامه‌ی ناصر خسرو^۵

(۱) سال ۴۳۸ هـ.ق.

(۲) سال ۴۳۴ هـ.ق.

(۳) منجیک ترمذی از شاعران نیمه‌ی دوم قرن چهارم است. وی پس از دقیقی، مداح چغانیان بوده است.

(۴) یادنامه‌ی ابوالفضل بیهقی به کوشش دانشگاه فردوسی مشهد.

(۵) سبک‌شناسی ملک الشعرا بهار و سبک‌شناسی دکتر شمسیا

نثر دینی

نثر دینی فارسی دَری با ترجمه‌ی تفسیر طبری آغاز شد و در دوره‌ی بعد، به‌ویژه در قلمرو تفسیر قرآن مجید گسترش یافت. در سده‌ی چهارم و پنجم هجری تفسیرهای متعددی به زبان فارسی برای استفاده‌ی ایرانیان مسلمانی که عربی نمی‌دانستند، تألیف گردید که برخی از آن‌ها تا امروز هم باقی مانده است.

از میان تفسیرهای متعدد قرآن مجید به زبان فارسی که در سده‌ی پنجم هجری تألیف یافته، به معرفی این دو تفسیر اکتفا می‌شود:

الف) تفسیر قرآن مجید، معروف به تفسیر کمبریج: مؤلف، تاریخ تألیف و نام اصلی این کتاب معلوم نیست؛ زیرا آنچه از این تفسیر عزیز بر جای مانده نیمه‌ی دوم آن است و از تفسیر سوره‌ی مریم تا پایان قرآن مجید را شامل می‌شود. زمان تألیف آن را از روی قرآینی، نیمه‌ی اول سده‌ی پنجم هجری حدس زده‌اند. این کتاب علاوه بر فایده‌های دینی و تفسیری، از نظر زبان و ادب فارسی هم اهمیت بسیار دارد و در آن، واژه‌های لطیف فارسی دیده می‌شود که در روزگاران گذشته رایج بوده و بعدها از یاد رفته است.

ب) تفسیر سوراآبادی: این تفسیر را ابوبکر عتیق نیشابوری، معروف به سوراآبادی فراهم آورده است. از سرگذشت مؤلف — که معاصر با آلب ارسلان سلجوقی بوده — آگاهی زیادی نداریم؛ همین قدر معلوم است که او در نیمه‌ی دوم قرن پنجم تفسیر خود را تألیف کرده و سرانجام، در سال ۴۹۴ هـ.ق. به دیار باقی شتافته است. تفسیر سوراآبادی که با بیانی ساده و شیوا نگارش یافته است، از متون دینی مهم سده‌ی پنجم هجری به‌شمار می‌رود.

نثر عارفانه

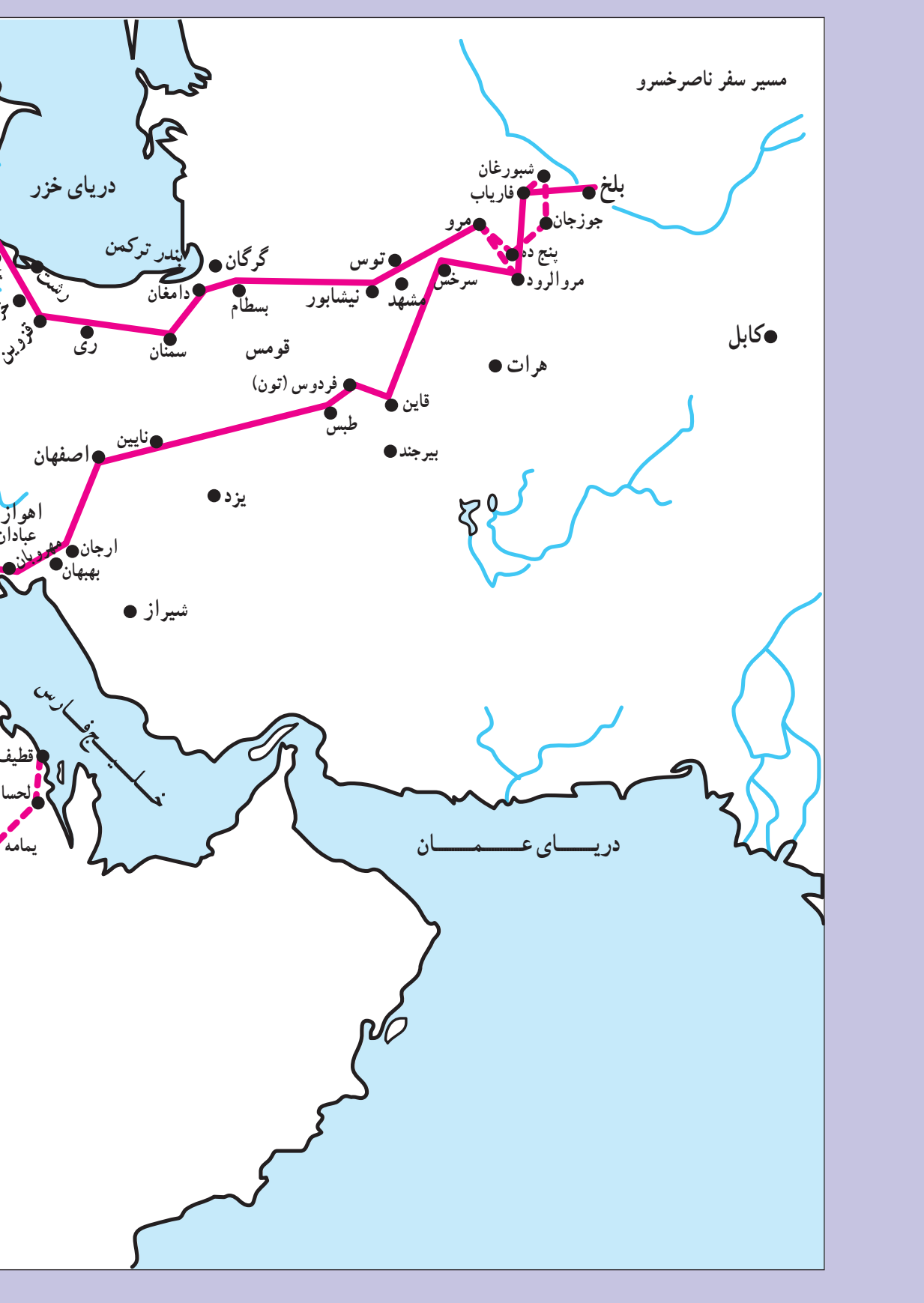
پیش از این از رواج و گسترش اندیشه‌ی عارفانه سخن گفتیم و به پاره‌ای اشعار صوفیانه در آغاز این دوره اشاره کردیم. نثر عارفانه هم به موازات شعر ادامه یافت و کتاب‌ها و رساله‌های زیادی در ذکر مبانی تصوّف و سرگذشت عارفان بنام و ذکر حالات روحی و مناجات‌های عارفانه تألیف شد که به برخی از آن‌ها به اختصار اشاره می‌کنیم.

الف) کشف‌المحجوب: از جمله‌ی قدیم‌ترین کتاب‌های نثر فارسی در تصوّف، کتابی است به نام کشف‌المحجوب، تألیف ابوالحسن جلابی هجویری غزنوی (فوت: ۴۶۵ ه.ق.) که میان سال‌های ۴۴۰ تا ۴۵۰ ه.ق. تألیف شده و موضوع آن، طریقت و اصول تصوّف و بیان کیفیت عشق به پروردگار است. این کتاب بعد از کتاب شرح تعرّف اسماعیل بن محمد مستملی بخاری (فوت: ۴۳۴ ه.ق.) به عنوان یکی از قدیم‌ترین متون نثر صوفیانه مورد استفاده‌ی عارفان و مؤلفان کتب عرفانی قرار گرفته است.

نثر کتاب آراسته و زیبا و در بسیاری موارد — به‌ویژه در مقدمه — شاعرانه و موزون به نظر می‌آید. این کتاب بنا به خواهش ابوسعید هجویری و در پاسخ به پرسش‌های عرفانی او تهیه شده است.

ب) آثار خواجه عبدالله انصاری: نیای بزرگ خواجه عبدالله، ابویوب انصاری، همان کسی است که پیامبر اسلام (ص) هنگام هجرت از مکه به مدینه در خانه‌ی او فرود آمد. ابویوب در زمان خلافت عثمان به خراسان آمده و در هرات ساکن شده بود. خواجه عبدالله به سال ۳۹۶ ه.ق. در هرات ولادت یافت. از خردی زبانی گویا و طبعی توانا داشت و شعر عربی و پارسی را نیک می‌سرود. او بسیاری از علوم ادبی و دینی و اشعار عربی را حفظ بود و به احادیث پیامبر علاقه می‌ورزید. خواجه تصوّف را در محضر شیخ ابوالحسن خرقانی، عارف برجسته‌ی آن روزگار آموخت و بعد از وی، سمت جانشینی او را یافت و در هرات به تعلیم و ارشاد اشتغال داشت تا این که در سال ۴۸۱ ه.ق. درگذشت.

هرچند خواجه عبدالله شعر هم می‌سرود و برخی از اشعار خود را — که بیش‌تر در قالب رباعی و ترانه است — در کتاب‌ها و رسالاتش آورده است، شهرت او به کتاب‌ها و رساله‌هایی است که از وی برجای مانده است. از میان این آثار یکی ترجمه و املائی کتابی است به نام طبقات الصوفیه که اصلاً شخصی به نام ابو عبدالرحمان سلمی نیشابوری (فوت: ۴۱۲ ه.ق.)



مسیر سفر ناصر خسرو

دریای خزر

بندر ترکمن

بلخ
شبرغان
فاریاب
جوزجان

کابل

هرات

توس

مرو

پنج‌ده

مشهد

مروالرود

سرخس

نیشابور

بسطام

قومس

فردوس (تون)

قاین

طبس

بیرجند

یزد

اصفهان

نابین

اهواز

عبادان

ارجان

مشهدولان

بهبهان

شیراز

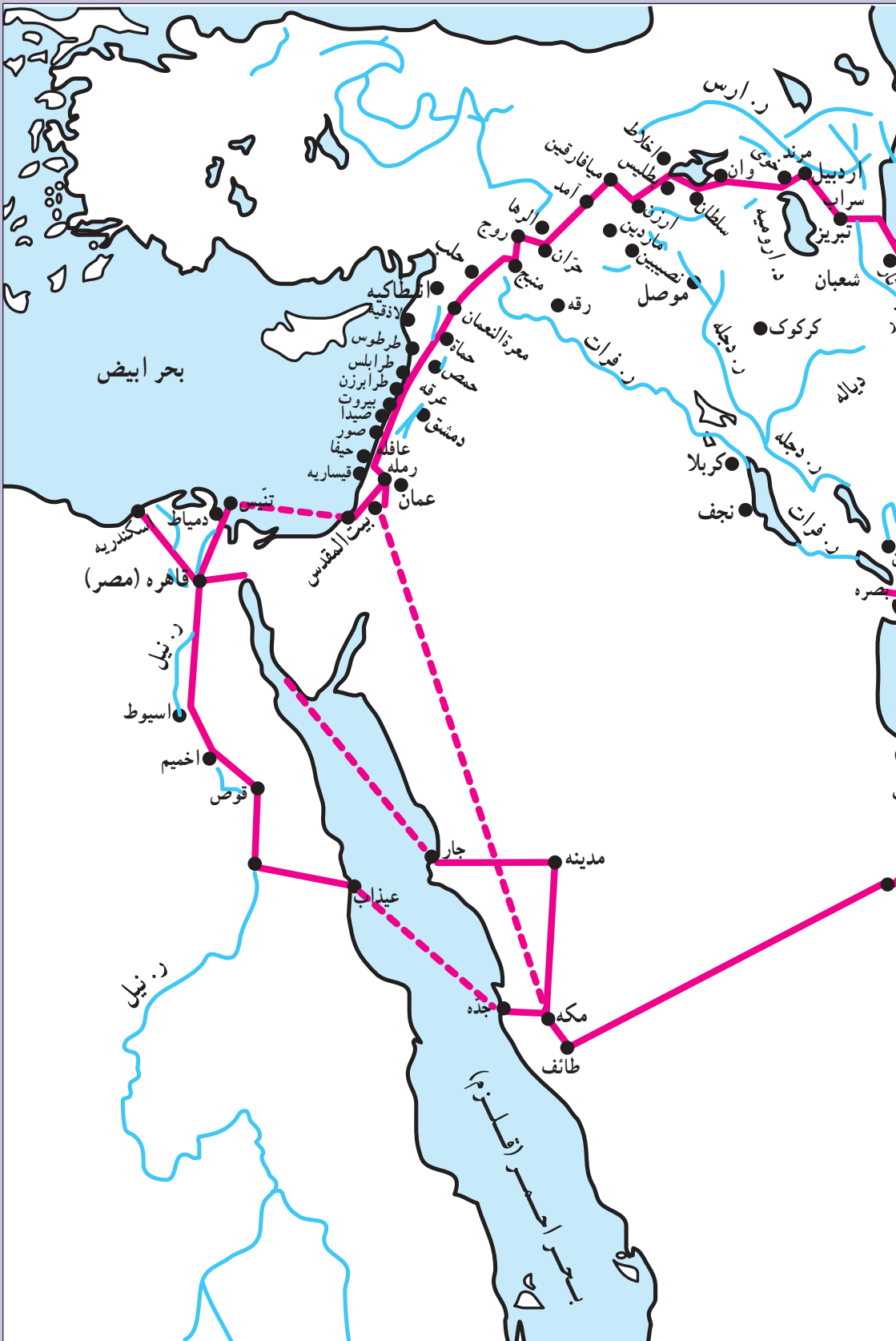
دریای عمان

فارس

قطیف

لحسا

یمامه



به زبان تازی تألیف کرده بود و خواجه عبدالله آن را در حلقه‌ی مریدان خود به زبان پارسی هروی و با طرزی لطیف و دلکش املا می‌کرد و یکی از شاگردان خواجه آن چه را که وی در شرح و ترجمه و تفسیر مطالب آن می‌گفت، فراهم می‌آورد. آن چه امروز به زبان فارسی به نام طبقات الصوفیه مشهور است، همان چیزی است که خواجه عبدالله املا می‌کرده است. این کتاب که شرح سرگذشت و حالات بزرگان صوفیه پیش از خواجه عبدالله است، با نثری روان و خوش‌آهنگ نوشته شده است.

دیگر از آثار خواجه عبدالله، رسایل اوست که موضوع آن اقوال و سخنان و مناجات‌ها و راز و نیازهای لطیف و پرجاذبه است. این اثر حاوی لطیف‌ترین و عمیق‌ترین معانی عرفانی با بیانی شاعرانه و خوش‌آهنگ است که در عین حال از زبان مردم هرات به شدت تأثیر پذیرفته است.

نثر خواجه عبدالله در رسایل هم مانند طبقات الصوفیه و حتی بیش‌تر از آن آهنگین و آراسته به شعر و آیه و حدیث است و از این حیث نسبت به بقیه‌ی آثار منثور این دوره و حتی دوره‌ی بعد، ممتاز و مشخص است. تناسب‌هایی که خواجه عبدالله در پاره‌های نثر رعایت کرده و کلمات هموزن و آهنگینی که در نثر به کار برده است، در اصطلاح «سجع» نامیده می‌شود. به کار بردن این هنر در نثر که آن را به شدت به شعر نزدیک کرده است، برای نخستین بار در نثر خواجه عبدالله آمده و به‌ویژه در دوره‌ی بعد از او در نثر فارسی رواج کامل یافته است.

خودآزمایی‌های نمونه

- (۱) موضوع کشف‌المحجوب چیست؟ چه کتاب‌های دیگری درباره‌ی این موضوع می‌شناسید؟
- (۲) آثار خواجه عبدالله انصاری را نام ببرید.
- (۳) رسایل خواجه عبدالله انصاری حاوی چه مضامینی است؟
- (۴) ویژگی‌های نثر مرسل و نثر مسجع را بیان کنید و بگویید که این دو چه تفاوتی با هم دارند.
- (۵) تفسیر معروف به کمبریج چه قسمت‌هایی از قرآن را شامل می‌شود؟
- (۶) نثر دینی با کدام اثر شروع می‌شود؟
- (۷) علت آفرینش تفسیرها چیست؟ نمونه‌هایی از تفاسیر مهم را نام ببرید.

خودآزمایی‌های نمونه‌ی بخش ششم

- ۱) چرا ابوعلی سینا و برخی از نویسندگان ایرانی آثار خویش را به عربی نوشته‌اند؟
- ۲) محتوای «التفهیم...» چیست؟
- ۳) قابوس‌نامه تحت تأثیر متون کدام دوره است؟
- ۴) ویژگی‌های نثر تاریخ سیستان را بیان کنید.
- ۵) تاریخ بیهقی در چند مجلد فراهم شده بود؟ چه قسمت‌هایی از آن باقی مانده است؟
- ۶) گفته شده است: «تاریخ بیهقی بلاغت طبیعی زبان فارسی را در خود منعکس کرده است.» در این باره توضیح دهید و بحث کنید.
- ۷) سفرنامه‌ی ناصر خسرو علاوه بر جنبه‌ی ادبی چه ارزش‌های دیگری دارد؟
- ۸) «شرح تعرّف» از کیست؟
- ۹) کشف‌المحجوب از حیث نثر چه ویژگی‌هایی دارد؟
- ۱۰) خواجه عبداللّه، تحت تعلیم کدام عارف نامی بوده است؟
- ۱۱) طبقات الصّوفیه تألیف کیست و به چه زبانی است؟

پژوهش

□ جایگاه علمی و ادبی ابوعلی سینا در فرهنگ ایران اسلامی

بخش پنجم

عصر نور

درآمدی بر عصر انوری، فرجام رونق ستایشگری

دوره‌ی دوم فرمانروایی سلجوقیان، که در سرتاسر نیمه‌ی اول سده‌ی ششم هجری ادامه داشت، با یورش عُزان به خراسان و شکست سنجر در سال ۵۴۸ ه.ق. پایان گرفت. از آن پس، امپراتوری وسیع و نیرومند سلجوقی - که زمانی از سواحل مدیترانه تا دورترین نقطه‌های ماوراءالنهر با سرانگشت وزیر با تدبیرش خواجه نظام‌الملک توسی اداره می‌شد - فروپاشید و هر بخش آن به دست فرمانروایی محلی از طوایف و نزادهای گوناگون - اما بیش‌تر از ترکان مشرق و آسیای مرکزی - افتاد.

سیاست کلی سلاجقه و امرای پس از آنان بر حمایت از شعر و ادب فارسی استوار نبود و اگر آن‌ها - به‌ویژه از دوره‌ی سنجر به بعد - برای جلب نظر شاعران و صاحب‌دلان فراغتی هم به‌دست می‌آوردند، به‌دلیل بیگانگی با فرهنگ و زبان ایران به این کار علاقه‌ای نشان نمی‌دادند. در این دوره، دیگر نه از آن حلقه‌های گرم شعر و ادب عصر محمودی خبری بود و نه از زرباشی‌ها و کامجویی‌های دوره‌های پیشین که ستایشگران و عشرت‌طلبان را بر گرد خود فراهم می‌آورد. شاعران اگر ستایشی هم می‌گفتند، از روی عادت و بیش‌تر بدان دلیل بود که اغلبشان هنر دیگری نداشتند. با همه‌ی این احوال هرگز امیدوار نبودند که مثل گذشته بتوانند کالای شعر خویش را به بهایی که انتظار داشتند بفروشند و به برخورداری و رفاهی از آن‌گونه که شاعران گذشته، آسان به‌دست می‌آوردند برسند.

مضمون‌های عمده‌ی شعر این دوره البته هنوز مدح است و وصف و به مقدار بیش‌تری نسبت به دوره‌های پیش، هم غزل. در کنار این مضمون‌های اصلی، بدزبانی و هجاگویی

— که بیش تر ناشی از سرخوردگی و ناکامی‌های فردی و اجتماعی است — و روی‌گردانی از دنیا — به‌جای داشتن فلسفه و جهان‌بینی مستقل — و پاره‌ای اندرزگویی‌های بی‌پشتوانه و فاقد اعتبار عملی و علمی، نظر منتقد شعر این عصر را به خود جلب می‌کند.

قالب‌های شعر هم عمدتاً قصیده و غزل که آرام آرام نسبت غزل فزونی می‌گیرد و بعد هم قطعه و رباعی و مسمط و ترکیب‌بند. قالب مثنوی در بین شاعران عصر انوری روایی چندانی ندارد. زبان شعر عموماً پخته و نسبت به دوره‌ی گذشته نرم‌تر و رام‌تر است. میزان لغات عربی در شعر برخی از شاعران این دوره مثل انوری و خاقانی زیاد است و روی هم رفته، ترکیب شعر دشوارتر و دیرپاب‌تر.

در مجموع، تفاوت شعر این دوره — که به مناطق متعددی در شمال شرق و مرکز و شمال غرب ایران تعلق دارد — با شعر دوره‌های پیش — که عمدتاً در ماوراءالنهر و خراسان گفته می‌شد — چشم‌گیر بوده است. همین امر برخی را بر آن داشته است که سبک شعر این دوره را برای تمیز از دوره‌ی قبل — که به خراسان اختصاص داشت — به دلیل بالندگی اش در سرزمین‌های عراق عجم «سبک عراقی» بنامند.

برخی از ویژگی‌های سبک عراقی عبارت‌اند از:

- ۱) ورود لغات و ترکیبات متعدّد از لهجه‌های محلی به زبان فارسی دری؛
- ۲) نفوذ عمیق‌تر و گسترده‌تر فرهنگ اسلامی؛
- ۳) نفوذ افکار و اصطلاحات صوفیه در شعر و رواج عرفان اسلامی؛
- ۴) بدبینی شاعران نسبت به اوضاع زمان بر اثر نابه‌سامانی‌های این دوره؛
- ۵) ورود روزافزون لغات عربی و استفاده‌ی فراوان از استعاره و کنایه و اصطلاحات فلسفی، کلامی، طبی، نجومی و غیره که فهم شعر را اندکی دشوارتر می‌ساخت؛
- ۶) گسترش حوزه‌ی زبان و ادبیات فارسی در نقاط مختلف ایران و شبه قاره‌ی هند.

انوری، پیامبر ستایشگران

برخی از سخن‌سنجان گذشته انوری را هم‌پایه‌ی فردوسی و سعدی و هر سه را از پیامبران شعر فارسی شمرده‌اند.^۱

این پیامبر ستایشگران که نامش اوحدالدین علی و نام پدرش وحیدالدین محمد بود، در قریه‌ی «بَدَنَه»، نزدیک مهنه یا میهنه (زادگاه ابوسعید ابوالخیر) واقع در خاک خاوران میان توس و سرخس زاده شد و به سبب اتسایش به سرزمین خاوران، در آغاز شاعری «خاوری» تخلص می‌کرد.

انوری به خدمت سلطان سنجر درآمد و تنها بخشی از زندگی او در آرامش و برخوردارگی گذشت. در همین ایام هم در دنیای خور و خواب و خشم و شهوت غوطه‌ور بود و کم‌تر مجال آن را پیدا می‌کرد که خارج از این دنیای محدود، با دل و روح خویش خلوتی کند و از آن‌گونه اندیشه‌ها – که مثلاً برای کسانی چون ناصر خسرو و سنایی و خیام پیش می‌آمد – از خاطر بگذراند.

شاعری انوری و اخلاق او: بیش‌ترین شهرت انوری به قصاید اوست که عموماً در سه مضمون، یعنی ستایش شاهان و بزرگان، وصف طبیعت و هجو دشمنان و مخالفان است. مدایح انوری مشحون به اغراق و نمونه‌های بارز مبالغات دور از منطق و در عین حال حاوی مضامین غرورانگیز ستایشی است.

(۱) شاعری گفته است:

در شعر سه‌تن پیامبران‌اند
هر چند که لانبیّ بعدی
اوصاف و قصیده و غزل را
فردوسی و انوری و سعدی

غزلیات وی که در دیوان او برجاست، نشان می‌دهد که وی دست کم در روزگار جوانی و سرخوشی به غزل‌گویی و عاشق‌پیشگی اشتغال داشته است. بخش عمده‌ی دیگری از اشعار انوری قطعات اوست و از این حیث باید او را پیشگام ابن‌یمین، شاعر قطعه‌سرای عصر سربداران، دانست. مضمون قطعات انوری ستایش، خواهشگری، بدزبانی و هجاگویی است.

یک بار هم اتفاقاً انوری را شاعری اجتماعی و دردمند و مردم‌دوست می‌بینیم که از زبان مردم خراسان در برابر بیدادهای غزان لب به شکوه می‌گشاید و در قصیده‌ای ستم‌های بیدادگران را برملا می‌سازد. توضیح مطلب آن که در سال ۵۴۸ گروهی از طوایف غز بر اثر ظلم کارگزاران دولت سلجوقی سر به شورش برداشتند و در جنگی سنجر را درهم شکستند و به اسیری بردند. غزان از آن پس بر خراسان تاختند و ویرانی‌ها به بار آوردند. غارت و ستم کردند و بسیاری از بزرگان و دانشوران آن سامان را از دم تیغ گذرانیدند. این حال، دل مردم خراسان و از آن جمله انوری را به درد آورد. درد وی تنها غم خویشتن نبود؛ او از غم همشهریان خود فغان برآورد و حاکم سمرقند را - که پسر خوانده‌ی سنجر بود و از جانب او بر ماوراءالنهر فرمانروایی داشت - به یاری خواند و شعری دردناک و صمیمانه و سرشار از تأثر برای او فرستاد:

نامه‌ی اهل خراسان

بر سمرقند اگر بگذری ای باد سحر
نامه‌ی اهل خراسان به بر خاقان بر
نامه‌ی مطلع آن رنج تن و آفت جان
نامه‌ی مقطع آن درد دل و سوز جگر
نامه‌ی بر رقصش آه غریبان پیدا
نامه‌ی در شکنش خون شهیدان مضمّر
ریش گردد ممر^۲ صوت از او گاه سماع
خون شود مردمک دیده از او وقت نظر

(۱) ریش گشتن: زخم‌دار شدن، مجروح

(۲) ممر: راه عبور، گلو (در این جا)

قصه‌ی اهل خراسان بشنو از سرِ صدق
 چون شنیدی ز ره لطف بر ایشان بنگر
 خبرت هست که زین زیر و زبر شوْم غزان
 نیست یک پی ز خراسان که نشد زیر و زبر؟
 خبرت هست که از هر چه در او خیری بود
 در همه ایران امروز نماندست اثر؟
 مسجد جامع هر شهر ستورانشان را
 پایگاهی شده نه سقفش پیدا و نه در
 بر مسلمانان زان گونه کنند استخفاف
 که مسلمان نکند صد یکِ آن بر کافر
 به خدایی که بیاراست به نامت دینار
 به خدایی که برافراخت به فرقت افسر
 که کنی فارغ و آسوده دلِ خلق خدای
 زین فرومایه غُزِ شوْم پیِ غارتگر...
 این شعر که از زیباترین و پرآوازه‌ترین اشعار اجتماعی انوری است، تاکنون نظر
 بسیاری از غربیانی را که با زبان و ادب فارسی سروکار داشته‌اند، به خود جلب کرده
 به چندین زبان بیگانه، از جمله انگلیسی، آلمانی و روسی نیز ترجمه شده است. انوری در
 سال ۵۸۳، با زندگی بدرود گفت.

جز موضوعات اجتماعی، غزل‌هایی که محصول دوران جوانی شاعر و مضمون آن‌ها عشق
 و ستایش مستی و باده‌پیمایی است و نیز هجوهای تلخ و گزنده را در دیوان انوری می‌توان یافت.

مسعود سعد و شعر حبسیّه

نزدیک به بیست سال از بهترین ایام زندگانی مسعود بن سعد سلمان، شاعر خوش
 قریحه و آزاده‌ی لاهوری که نیاکان او از همدان به آن دیار رفته بودند، در زندان گذشت.
 در واقع مسعود، طی پانزده سالی هم که در پایان عمر خویش آزاد زیست و به خواندن و
 نوشتن اشتغال ورزید، آن مایه آسایش و آرام نداشت که رنج‌های مدّت حبس را جبران کند؛
 زیرا در این ایام تازه به زندان پیری و ناتوانی گرفتار آمده بود.

مسعود با وجود آن که پدرش از عمال دولتی و در دوره‌ی اوّل غزنوی صاحب شأن و شوکت بود، به خدمت سیف الدوله محمود پیوست که در آن روزگار از جانب پدر به امیری هندوستان منصوب شده بود. در حدود سال ۴۸۰ سیف الدوله به فرمان پدرش سلطان ابراهیم گرفتار و زندانی شد و ندیمان و یاران او نیز به قید و زندان گرفتار آمدند. از آن جمله مسعود سعد بود که هفت سال در قلعه‌های «سو» و «دهک» و سه سال را در قلعه‌ی «نای» زندانی شد. خود او در بیتی به این واقعه اشاره می‌کند:

هفت سالم بکوفت سو و دهک

پس از آنم سه سال قلعه‌ی نای

این واقعه گویا بر اثر تهمت حاسدان و از آن جمله، یکی از رقیبان مسعود به نام «راشدی»، شاعر دربار سلطان ابراهیم، برای وی پیش آمده است.

مسعود که در یکی از سال‌های ۴۳۸ تا ۴۴۰ در لاهور پا به هستی گذاشته بود، سرانجام پس از حدود هشتاد سال، به سال ۵۱۵ هجری بدرود زندگانی گفت.

شیوه‌ی شاعری مسعود: مسعود سعد در حقیقت نامورترین شاعران عصر دوم غزنوی است.

در واقع، شهرت مسعود در گرو حبسیّه‌های اوست. این قسم از اشعار او مؤثر و دردانگیز و در عین حال، جالب و گیرا از آب درآمده و تظلم‌هایی از ستم‌رسیدگان آن روزگار را ثبت کرده است اما شعر او منحصر به حبسیّات نیست. وی در وصف، مدح، غزل و هجو و شوخی هم دستی قوی و شیوه‌ای ممتاز داشته است. برخی از شاعران نامور آن روزگار، مانند امیر معزی و سنایی و عثمان مختاری و ابوالفرج رونی، با او دوستی‌ها داشته‌اند و بعضی از آن‌ها هم در شعر مسعود مورد ستایش قرار گرفته‌اند.^۱ نمونه‌ای از شعر او را نقل می‌کنیم.

حصارِ نای

نالَم ز دل چو نای من اندر حصارِ نای

پستی گرفت همّت من زین بلند جای

۱) دیوان مسعود سعد را دکتر مهدی نوریان در دو جلد به چاپ رسانیده است. دکتر حسین لسان هم

گزیده‌ی دیوان مسعود سعد را در تهران چاپ کرده است.

آرد هوای نای مرا ناله‌های زار
 جز ناله‌های زار چه آرد هوای نای؟
 گردون به درد و رنج مرا کشته بود اگر
 پیوند عمر من نشدی نظمِ جان‌فزای
 از دیده گاه پاشم دُرهای قیمتی
 وز طبع گه خرامم در باغِ دلگشای
 نظمی به کامم اندر چون باده‌ی لطیف
 خطی به دستم اندر چون زلف دلربای
 گردون چه خواهد از من بیچاره‌ی ضعیف؟
 گیتی چه خواهد از من سرگشته‌ی گدای؟
 ای محنت ار نه کوه شدی، ساعتی برو
 وی دولت ار نه باد شدی، لحظه‌ای پبای^۱
 ای بی‌هنر زمانه مرا پاک در نورد
 وی کور دل سپهر مرا نیک برگرای^۲

خودآزمایی‌های نمونه

- (۱) از حیث ساختار و محتوا (درون‌مایه) قطعه را تعریف کنید.
- (۲) تخلص انوری در آغاز چه بود؟ آیا شاعرانی را می‌شناسید که بیش از یک تخلص داشته‌اند؟
- (۳) بیت: «هفت سالم بسود سو و دهک / پس از آنم سه سال قلعه‌ی نای» از کیست و به چه مسئله‌ای اشاره دارد؟
- (۴) گفته‌اند: «او پیامبری در ادب فارسی است که در همه‌ی عمر جز ستایش و نکوهش چیز دیگری بر وی الهام نشده است.» این توصیف درباره‌ی کیست و مبین چه نکته‌ای است؟

پژوهش

□ حبسیه در ادب فارسی^۳

- (۱) پبای: درنگ کن.
- (۲) برگرای: بیازمای، آزمایش کن.
- (۳) حبسیه در ادب فارسی، دکتر ولی‌الله ظفری.

جمال الدین عبدالرزاق ، مکتب‌دار شعر اصفهان

برجسته‌ترین و نامدارترین چهره‌ی شعر و ادب فارسی اصفهان در سده‌ی ششم هجری، جمال‌الدین محمدبن عبدالرزاق اصفهانی است.

جمال‌الدین هم مثل بسیاری از شاعران اواخر سده‌ی ششم، به شیوه‌ی سنایی، مضامین و عظم و حکمت و پند و اخلاق را در شعر خویش بسیار به کار برده است اما گویی در این شیوه هم به پای سنایی نرسیده و کارش بدون آن که اصالت چندانی داشته باشد، در حدّ نکوهشِ ظواهر دنیا و متعلقات آن باقی مانده است. وفات جمال‌الدین در سال ۵۸۸ هجری بوده است. از جمال‌الدین محمدبن عبدالرزاق اصفهانی یک ترکیب‌بند مشهور در نعت و ستایش پیامبر گرامی اسلام نیز در دست است که هم از نظر زبان و بافت شعری، استوار و سنجیده از کار درآمده و هم معنا و مضمون ابیات آن در اوج است و از ذوق و عاطفه‌ی خاصی حکایت می‌کند. مطلع این ترکیب‌بند را در این جا می‌آوریم.

ای از برِ سِدره شاهره‌ت

وای قُبّه‌ی عرش تکیه‌گاهت

کمال‌الدین اصفهانی، آفرینشگر معانی تازه

در تاریخ ادبیات فارسی کم‌تر موردی هست که پدر و پسری هر دو شاعر بوده و هر دو هم نام و آوازه‌ای به دست آورده باشند. کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی از آن نمونه‌های انگشت‌شماری است که همانند پدرش، جمال‌الدین محمدبن عبدالرزاق اصفهانی، توانسته است در شعر و شاعری به جایگاهی برجسته دست یابد و در نظر برخی حتی از پدر خود هم

پیشی گیرد. دلیل این اهمیت آن است که وی در خلق معانی تازه دستی توانا داشته و از این رو به «خلاق المعانی» نیز نامبردار گشته است. او نیز همانند پدر خود و اندکی بعد از او، روزگار را در مدح بزرگان اصفهان - به ویژه آل صاعد - می گذرانیده است.

کمال الدین از شاعران نگون بختی است که دوره ی پر آشوب حمله ی مغول را به تمامی درک کرده است و قتل عام مغولان را به سال ۶۳۳ در اصفهان با چشم خود دیده و این رباعی دردناک را بعد از آن واقعه ی خونین سروده است:

کس نیست که تا بر وطن خود گیرد

بر حال تباه مردم بد گیرد

دی بر سر مرده ای دو صد شیون بود

امروز یکی نیست که بر صد گیرد

و از آن بدتر این که خود او نیز دو سال بعد، یعنی در سال ۶۳۵، به دست مغولان به قتل رسیده است.

خودآزمایی های نمونه

۱) عمده ی شهرت جمال الدین عبدالرزاق به سبب سرودن کدام شعر است؟ موضوع آن چیست؟

۲) «خلاق المعانی» یعنی چه؟ چه کسی و چرا بدین لقب نامیده شده است؟

۳) عصر و دوره ی کمال الدین اسماعیل مصادف با چه واقعه ای است؟ سرانجام وی چه بود؟

خودآزمایی های نمونه بخش هفتم

۱) انوری را مبدع چه نوع شعری دانسته اند؟

۲) چه کسانی را می توان از پیشروان سبک موسوم به عراقی دانست؟

۳) به نظر شما آیا تقسیم بندی انواع شعر و نثر به نام مناطق (عراقی، خراسانی و...) شیوه ی

درستی است؟ شما چه نوع تقسیم بندی سبکی را پیشنهاد می کنید؟

پژوهش

□ مقایسه ی سبک خراسانی و عراقی^۱

۱) تاریخ ادبیات ایران، دکتر ذبیح الله صفا و سبک شناسی بهار و سبک خراسانی، دکتر محمدجعفر

بخش هشتم

عصر ابوالمعالی

درآمدی بر عصر ابوالمعالی، دوره‌ی کمال فنی نثر فارسی

پیش از عصر بیهقی و ابوالمعالی، زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و دولتی به حوزه‌ی پهناوری گام نهاده بود که از ماورای جیحون تا آن سوی عراق عجم و منطقه‌ی جبال و دیلمان و آذربایجان و آران و ارمنستان را در بر می‌گرفت. به دلیل وجود امکانات فرهنگی متنوع و زبان‌های محلی متفاوت در این سرزمین‌ها، در سده‌ی ششم هجری زبان فارسی دستخوش تحوّل چشم‌گیر شد و آثاری با سبک‌ها و شیوه‌های خاصّ، در دامان خود پدید آورد.

مجاورت با زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی از یک طرف و استیلای بی‌چون و چرای زبان عربی طیّ سده‌های گذشته بر این نواحی از طرف دیگر، سبب شد که زبان فارسی، جز در مواردی اندک، از سادگی و سلامت نخستین خود به درآید و با نیاز زمان – که عبارت بود از تظاهر به عربی‌دانی و تازی‌مآبی و همسویی با دانش‌ها و معارفی که طیّ قرون گذشته از طریق این زبان در دامن فرهنگ اسلامی به گسترش چشم‌گیری رسیده بودند – هماهنگ شود. در عصری که ما آن را عصر ابوالمعالی نام‌گذاری کرده‌ایم و از دهه‌های نخستین سده‌ی ششم تا میانه‌ی سده‌ی هشتم هجری عموماً ادامه داشت، نثر فارسی – صرف‌نظر از چند مورد استثنایی به‌ویژه در کلیله و گلستان – بیش‌تر به لفظ و صورت متوجه شد و از تأکید بر اهمّیت معنا باز ماند. در این عصر علاوه بر کمال فنی نثر، تنوّع دامنه‌ی نوشته‌ها و موضوعات کتب و رسایل نیز درخور یادآوری است. تقریباً در همه‌ی زمینه‌های معارف آن روزگار – از تاریخ و جغرافی و طبّ و فلسفه و کلام و عرفان گرفته تا علوم اداری و ادبی

و دینی و... - آثاری به زبان فارسی پدید آمد و گنجینه‌ی نثر فنی فارسی را انباشته‌تر و پربارتر کرد. البته نباید از نظر دور داشت که در این دوره آثاری نیز به زبان ساده و روشن تألیف شده است که در آن‌ها معنا بیش از لفظ مورد توجه قرار گرفته است. در صفحات آینده که به معرفی نمونه‌هایی از هر یک از زمینه‌های نثر فارسی می‌پردازیم، خواهید دید که شمار این گونه آثار نیز در دوره‌ی مورد بحث ما کم نیست. به‌ویژه در کلیله و گلستان - چنان که خواهیم دید - نهایت درجه‌ی استادی به‌کار رفته و لفظ و معنا و حتی پرداخت‌های هنری و پیرایه‌بندی‌ها در اوج است.

نثرهای عارفانه

نثر صوفیانه که با نوشته‌های کلابادی، هجویری، قشیری و خواجه عبدالله انصاری، راه خود را در ادبیات فارسی پیدا کرده بود، در سده‌های ششم و هفتم اهمیت و گسترش یافت و بسیاری از صوفیان بزرگ مانند: احمد غزالی، عین‌القضات همدانی، محمد بن منور، سُهروردی، نجم‌الدین کبری، مجدالدین بغدادی، نجم‌الدین رازی، بهاء ولد، عطار و مولوی آثار شیرین و شورانگیز و به دور از دشواری و پیچیدگی نوشتند. در این جا برای نمونه به معرفی برخی از این آثار می‌پردازیم.

الف) نامه‌های عین‌القضات: در واپسین سال‌های سده‌ی پنجم هجری، در شهر همدان کودکی به دنیا آمد که او را عبدالله نام نهادند. نیاکان او اصلاً اهل میانه بودند؛ به همین دلیل، زمانی که عبدالله بزرگ شد و در آغاز جوانی همه‌ی دانش‌ها و کمالات عصر خود را فرا گرفت، با لقب «عین‌القضات» و نسبت‌های میانجی (اهل میانه) و همدانی مشهور گردید. این جوان پرشور، که بعدها از نوابغ روزگار خود به شمار آمد، از محضر حکیم عمر خیّام و شیخ احمد غزالی (برادر محمد غزالی) بهره‌ها برد و آموخته‌هایش را با استعداد ذاتی خود و شور و حال و بی‌باکی‌ای که از اندیشه و زندگی حسین بن منصور حلاج آموخته بود، ترکیب کرد و به زودی، چنان نام و آوازه‌ای فراهم آورد که دردمندان و اندیشه‌وران روزگار خود را به دوستی و اعتقاد به خویشتن و نزدیک‌بینان و متعصبان و کج‌اندیشان را به دشمنی با سخنان و نظریات صوفیانه‌ی خود برانگیخت.

عین‌القضات چه در سر داشت که زاهد‌نمایان و مدعیان کوردل کینه‌ی او را در دل

گرفتند و ابوالقاسم درگزینی، وزیر سنجر، را بر ضدّ او تحریک کردند، تا این که آن وزیر دسیسه‌گر – که رقیبان و مخالفان را یکی یکی از سر راه برمی داشت – سرانجام جماعتی از فقیهان متعصب را با خود هم‌داستان کرد که خون او را مباح شمردند. از آن پس، عین‌القضات را چندی در بغداد زندانی کردند و سپس به همدان بردند و سرانجام در شب هفتم جمادی‌الآخر سال ۵۲۵ وی را در عین شکفتگی و جوانی – یعنی در سنّ سی و سه سالگی – بردار کشیدند. از عین‌القضات آثار و نوشته‌های زیادی به پارسی شیوا و استوار باقی مانده که از آن میان رساله‌های یزدان‌شناخت و تمهیدات حاوی اساسی‌ترین اندیشه‌ها و آرای صوفیانه‌ی اوست. مهم‌ترین و شیرین‌ترین نوشته‌های عین‌القضات مجموعه‌ی نامه‌های اوست که در زمره‌ی شیواترین و پرمعنی‌ترین آثار صوفیانه‌ی سده‌ی ششم محسوب است.

سبک نگارش همه‌ی نامه‌ها ساده، بی‌تکلف و روان است و در عین حال، به آیات قرآنی و اشعار پارسی و تازی، بسیار استشهاد شده است.

ب) آثار فارسی سُهروردی: اگر در سده‌ی ششم هجری هیچ نویسنده و متفکر دیگری به جز شهاب‌الدین یحیی سُهروردی معروف به «شیخ اشراق» ظهور نمی‌کرد، باز هم کافی بود که این دوران را یکی از بارورترین دوره‌های تاریخ اندیشه و فرهنگ ایران بنامیم. شهاب‌الدین به سال ۵۴۹ در قریه‌ی سُهرورد (نزدیک زنجان) ولادت یافت. وی در پرتو اندیشه‌ی تیز و نیک‌اندیشی و پاکدلی توانست با شُهود و درون‌بینی بر بسیاری از حقایق دست یابد و رازهای بسیاری را بگشاید و فلسفه‌ی نوینی را که بیش‌تر، از تفکر ایرانی و حکمتِ خسروانی^۱ مایه می‌گرفت – به نام «فلسفه‌ی اشراق» – بنیان گذارد. در این مسیر بود که او میان فلسفه و عرفان – که تا آن زمان از یک‌دیگر دور بودند – پیوندی استوار برقرار کرد و به دلیل همین گستاخی و هم‌بدان‌جهت که در تشریح حکمت خسروانی از تعبیرات ایرانی و حوزه‌ی دیانت زردشتی بهره می‌برد، متعصبان و خام‌اندیشان او را به بددینی و الحاد متهم کردند. علمای حلب خونس را مباح شمردند و سرانجام، صلاح‌الدین ایوبی، فرمانروای مصر و شام، فرمان قتل او را صادر کرد و وی را روز پنجم ماه رجب سال ۵۸۷ در زندان خفه کردند؛ در حالی که از عمر بارور او بیش از ۳۸ سال نگذشته بود.

(۱) حکمت خسروانی یا فلسفه‌ی خسروانی به مجموعه‌ی افکار و عقاید فلسفی ایرانیان قدیم و مخصوصاً حکمت دوره‌ی شاهان ساسانی گفته می‌شود.

آرای شیخ اشراق در آثار متعددی که به زبان تازی و فارسی از او برجای مانده — به ویژه در کتاب *حکمة الاشراق* که اخیراً به فارسی هم ترجمه شده — به تفصیل بیان شده است. کتاب‌ها و رساله‌های فارسی او که در مجموعه‌ای با عنوان آثار فارسی شیخ اشراق منتشر شده است، بیش‌تر تمثیلی و ادبی است؛ از قبیل: *آواز پر جبرئیل*، *رسالة العشق*، لغت موران، *صفیر سیمرغ*، *رسالة الطیر*، روزی با جماعت صوفیان و *فی حالة الطفولیه* که بیش‌تر ذوق عرفانی و تمثیل‌گرایی و زبان رمزی او را نشان می‌دهد.

پ) *اسرار التوحید*: چیزی کم از یک صد و سی سال از مرگ ابوسعید ابی‌الخیر، عارف روشن ضمیر خراسان، گذشته بود که یکی از نوادگان او به نام محمد بن منور، به علت دل‌بستگی زیادی که به جد خود داشت، همتی کرد و آنچه را که تا آن روزگار از پیران آن خاندان و مریدان شیخ و عموزادگان خود در باره‌ی وی شنیده و گرد آورده بود، به هم پیوست و از مجموعه‌ی آن‌ها کتابی شیرین و دلپذیر فراهم آورد و آن را *اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی‌سعید ابی‌الخیر* نامید. تألیف کتاب پس از حمله‌ی غزان و ویرانی‌هایی که در شهرهای خراسان — به ویژه در میهنه زادگاه شیخ ابوسعید — به جا نهادند و، به احتمال زیاد، در حدود سال ۵۷۰ هجری پایان یافته است.

محمد بن منور کتاب خود را به سه باب تقسیم کرده و به ویژه در باب دوم که به بیان حالات شیخ در سال‌های میانی حیات او اختصاص دارد، بسیاری از اقوال و اشعاری را که بر زبان وی رفته گردآوری و نقل کرده است. *اسرار التوحید* از شاهکارهای نثر صوفیانه و زبان فارسی است.

نثرهای داستانی

هم‌چنان که داستان‌سرایی از دیرباز در شعر پارسی یک نوع مستقل ادبی شناخته شده بود، در نثر فارسی هم — هر چند اندکی دیرتر و کم‌تر — داستان‌پردازی جای خود را باز کرد و متن‌های داستانی پرآوازه‌ای پدید آمد. هر چند این کار از سده‌های پیش آغاز شده بود و مثلاً اسکندرنامه‌ی منشور را که متنی داستانی از نویسندگی ناشناخته است، باید از آثار منشور بازمانده از اواخر قرن پنجم دانست، با این حال به نظر می‌رسد که اوج شکوفایی آن در سده‌های ششم و هفتم هجری بوده است. از میان آثار داستانی این دوره، معرفی کوتاه چند

اثر زیر، شایسته به نظر می‌آید.

الف) سَمکِ عیّار: جوان مردی و عیّارپیشگی از ویژگی‌های فرهنگ ایران بوده است و بدون تردید، ریشه در فرهنگ ایران باستان دارد. عیّاران به‌ویژه در سیستان و خراسان بسیار بوده‌اند و صفات مردانگی و مردمنوازی و راست‌گویی را در فرهنگ ناحیه‌ی خود ترویج می‌کرده‌اند. چنان که می‌دانیم، یعقوب لیث صفاری که در سده‌ی سوم هجری در سیستان به حکومت رسید، از میان همین عیّاران برخاسته بود.

بنابراین، داستان‌های بسیاری از پهلوانان و عیّاران همیشه بر سر زبان‌ها بوده و سینه‌به‌سینه از نسلی به نسلی به میراث می‌رسیده است. در قرن ششم هجری، نویسنده‌ای خوش‌ذوق و پارسی‌دان به نام فرامرز بن خداداد که از ناحیه‌ی ارجان فارس برخاسته بود، قصّه‌های مربوط به یکی از جوان مردان معروف را که بر سر زبان‌ها بود، به نقل از شخصی راوی — به نام صدقه بن ابی القاسم که او هم از اهالی شیراز بود — با تثری شیوا و در عین حال استوار و دلکش که از زبان محاوره‌ی عامّه هم چندان به دور نبود، در کتاب مفصلی به نام **سمک عیّار** گرد آورد.

تحریر این کتاب — که در واقع بهترین نمونه‌ی نثر داستانی فارسی است — در سال ۵۸۵ هجری آغاز گردید. صحنه‌های این داستان که سرگذشت پهلوانی‌های سمک و حوادث مربوط به «مرزبان شاه فرخ» است، ایران و ممالک نزدیک آن تا ارمن و حلب است و در آن نام‌های زیبای ایرانی و رسم‌ها و عادات و آداب و رسوم اجتماعی بسیاری آمده که کتاب را از جهت مطالعات تاریخی و جامعه‌شناسی، درخور توجه کرده است.

ب) سندبادنامه: از کتاب‌های دیگری که به مانند کلیله و دمنه در زمان‌های دور، از هند به ایران آمده و ترجمه‌ی آن به زبان پهلوی در ادبیات ایران پیش از اسلام بسیار مشهور بوده است، کتاب **سندبادنامه** از تألیفات سندباد، حکیم هندی است. در دوره‌ی اسلامی، این کتاب به عربی درآمد و در نیمه‌ی اوّل قرن چهارم هجری — در زمان سامانیان — به فارسی دری ترجمه شد که متأسفانه آن ترجمه هم اکنون در دست نیست. ظاهراً ازرقی هروی، از شاعران بزرگ قرن پنجم، این ترجمه را به نظم درآورده بود که متأسفانه سندبادنامه‌ی منظوم او هم به دست ما نرسیده است.

ترجمه‌ی منشور سندبادنامه گویا تا قرن ششم هجری در دست بوده و در این زمان،

ظهیری سمرقندی، چون انشای آن را ساده و غیر مزین یافته است، بر آن شده که آن را به نثری فنی و آراسته به امثال و اشعار پارسی و تازی درآورد و البته از عهده‌ی این کار شگرف چنان به خوبی برآمده است که می‌توان تحریر او را از نمونه‌های برجسته و دلپذیر نثر فنی در واپسین سال‌های سده‌ی ششم هجری دانست.

نثرهای دینی

از خصایص نثر دینی - مثل نثرهای عرفانی - سادگی و نزدیکی آن با زبان عامه است. عمده‌ترین متون دینی در این دوره هم متن‌های تفسیری بود. از میان متن‌های تفسیری فارسی که در سده‌های ششم و هفتم هجری تألیف شده است، برای نمونه از دو کتاب زیر یاد می‌کنیم.

الف) کشف الاسرار: از جمله آثار خواجه عبدالله انصاری، کتابی بوده در تفسیر قرآن که خواجه آن را به نثر صوفیانه و به زبانی شیرین و درعین حال از سر ذوق و در نهایت اختصار نوشته است. در سال ۵۲۰ هجری نویسنده‌ای دانشور و مفسری چیره‌دست به نام ابوالفضل رشیدالدین میبیدی به شرح و بسط این کتاب پرداخته و مسائل و مباحث بسیاری بر آن افزوده است و کتابی مفصل و پر حجم در تفسیر قرآن پدید آورده و آن را کشف الاسرار و عده‌الابرار نام گذاشته است.

نثر کتاب میبیدی هموار و شیرین و دل‌چسب است و بیش‌تر خصوصیات نثرهای عرفانی را در خود دارد؛ به طوری که می‌توان در آن (به‌ویژه در نوبت سوم) قطعات نغز و شیرین و خواندنی بسیاری پیدا کرد.^۱

ب) روض الجنان: نیمه‌ی اول سده‌ی ششم هجری را در فرهنگ اسلامی باید «عصر تفسیرنویسی» نام‌گذاری کرد و برای مفسران شیعه هم سهمی عمده قائل شد؛ زیرا، علاوه بر روض الجنان، یکی دیگر از مشهورترین تفسیرهای شیعه - یعنی مجمع البیان طبرسی - نیز در همین سال‌ها به زبان عربی تألیف گردیده است.

(۱) آقای دکتر محمد مهدی رکنی قطعات منتخبی از این کتاب را استخراج کرده و با عنوان لطایفی از قرآن کریم، با شرح و توضیح لازم، در مشهد به چاپ رسانیده است.

درست در همان سال‌ها که میبیدی به تألیف کتاب کشف الاسرار سرگرم بود، دانشمندی شیعی و پارسی‌دان به نام حسین بن علی بن محمد بن احمد خُزاعی نیشابوری، معروف به شیخ ابوالفتوح رازی، در شهر شیعه‌پرور ری تفسیر دیگری را با نام روض الجنان و روح الجنان به فارسی می‌پرداخت که تا آن‌جا که اطلاع داریم قدیم‌ترین و یکی از مهم‌ترین تفسیرهای شیعه به زبان فارسی است.

نثر این کتاب استوار و ساده و مشتمل بر فواید بسیار لغوی و ادبی است. مخصوصاً در آن لغت‌های ویژه و نکات دستوری خاصی دیده می‌شود که گمان می‌رود از ویژگی‌های لهجه‌ی مؤلف در سده‌ی ششم هجری باشد؛ بنابراین، کتاب علاوه بر این که یکی از امهات تفاسیر فارسی و دارای اهمیت فراوان دینی و تفسیری است، از لحاظ زبان و ادبیات فارسی هم بسیار سزاوار توجه است.

خودآزمایی‌های نمونه

- ۱) اساسی‌ترین اندیشه‌های صوفیانه‌ی عین‌القضات را در چه آثاری می‌توان جست و جو کرد؟
- ۲) شیوه و سبک نویسندگی عین‌القضات چگونه است؟
- ۳) اندیشه‌های شیخ اشراق بیش‌تر از چه مایه می‌گرفت؟
- ۴) اسرارالتوحید اثر کیست؟ چند باب دارد و موضوع آن چیست؟
- ۵) ارزش ادبی سمک عیار را بررسی کنید.

پژوهش

□ ویژگی‌های کشف‌الاسرار^۱

۱) مقدمه‌ی کشف‌الاسرار، دکتر محمدجواد شریعت.

کتاب‌های فنی در زمینه‌ی علوم ادبی

از مهم‌ترین کتاب‌هایی که در این زمینه از روزگاران گذشته برجای مانده و نویسندگان کتاب‌های بعدی تا روزگار ما از آن‌ها فراوان سود برده‌اند، به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

الف) ترجمان البلاغه: این کتاب از جمله‌ی کهن‌ترین و استوارترین کتاب‌هایی است که در زمینه‌ی علم بلاغت نوشته شده است. مؤلف آن دانشمندی ادب‌شناس به نام محمد بن عمر رادویانی است که از سرگذشت او اطلاع زیادی نداریم؛ فقط می‌دانیم که احتمالاً در نیمه‌ی دوم قرن پنجم هجری می‌زیسته و کتاب او هم در همین دوره نوشته شده است.

ب) حدائق السحر: این کتاب که نام کامل آن *حدائق السحر فی دقائق الشعر* است، از آثار رشید و طواط، شاعر معروف سده‌ی ششم و موضوع آن مباحثی از علم معانی و بیان و صنایع لفظی و معنوی کلام است.

پ) المعجم: پرآوازه‌ترین و برجسته‌ترین کتابی که در طول تاریخ حیات ادبی ایران در قلمرو علوم ادبی فارسی تألیف یافته است و تا روزگار ما هم حاکمیت و نفوذ خود را از دست نداده، کتاب *المعجم فی معاییر اشعار العجم* است. مؤلف کتاب، شمس قیس رازی است. وی در دهه‌ی نخستین سده‌ی هفتم در بخارا و ماوراءالنهر می‌زیسته و در سال ۶۱۴ در مرو بوده است. این کتاب اصلاً مشتمل بر دو بخش است: بخش اول در فن عروض و بخش دوم در علم قافیه و نقد شعر. نثر کتاب، به‌ویژه در مقدمه، مصنوع و متکلف و پر از امثال و اصطلاحات و واژه‌های تازی است.

نثرهای تاریخی

نثر تاریخی که در دوره‌های پیشین با شاهنامه‌ی ابو منصور آغاز شده و در قرن پنجم هجری در کتاب تاریخ بیهقی اوج و اعتبار خاصی یافته بود، در سده‌ی ششم گسترش پیدا کرد و کتاب‌های بیش‌تری در تاریخ جهان یا تاریخ شهرها و سلسله‌ها پدید آمدند که در برخی از آن‌ها رنگ ادبی و هنر نویسندگی مؤلف براهمیت تاریخی کتاب غلبه یافته است. مهم‌ترین این آثار را در این‌جا معرفی می‌کنیم.

الف) مجمل‌التواریخ: نام مؤلف دانادل و ایران‌دوست این کتاب معلوم نیست. از اطلاعات خود کتاب چنین برمی‌آید که وی از مردم همدان یا اسدآباد بوده و کتاب خود را در سال ۵۲۰، در عهد سلطان سنجر سلجوقی نوشته است.

اهمیت ادبی کتاب مجمل‌التواریخ از امتیازات تاریخی آن کم‌تر نیست. با وجود آن که در سده‌ی ششم نوشته شده است، شیوه‌ی انشای آن از نظر سادگی و داشتن واژه‌ها و اصطلاحات کهن فارسی، دست کمی از نوشته‌های قرن چهارم ندارد و به نظر می‌رسد که از نظر سبک نویسندگی هم تحت تأثیر آثار این قرن بوده است. در این کتاب، شمار لغات تازی - جز در مقدمه - بسیار اندک است.

ب) تاریخ بیهق: یکی از بخش‌های عمده‌ی تاریخ، به سرگذشت شهرها و مناطق جغرافیایی و شخصیت‌های علمی و ادبی آن‌ها اختصاص دارد که گاهی در اصطلاح به آن «جغرافیای تاریخی» نیز می‌گویند. کتاب تاریخ بیهق، نوشته‌ی ابوالحسن علی بن زید بیهقی معروف به ابن فندق، دارای چنین مضمون و درون‌مایه‌ای است.

بیهقی از دانشمندان پرکار و توانای خراسان است که ولادتش در واپسین سال‌های سده‌ی پنجم هجری در روستای سبزوار از ناحیه‌ی بیهق اتفاق افتاده است.

از وی آثار زیادی باقی مانده که بیش‌تر آن‌ها به عربی است. مهم‌ترین کتاب پارسی او تاریخ بیهق نام دارد که در تاریخ و جغرافیای ناحیه‌ی بیهق (منطقه‌ی سبزوار کنونی) و سرگذشت دانشمندان و رجال علم و ادب آن‌جاست و در آن اطلاعات تاریخی و جغرافیایی بسیاری می‌توان یافت.

پ) راحة الصدور: نجم‌الدین راوندی، نویسنده‌ی کتاب راحة الصدور که اصلاً اهل راوند کاشان بوده، از دانشوران برجسته‌ی پایان قرن ششم و آغاز قرن هفتم هجری است.

او علاوه بر دانش‌های ادبی و تاریخ، در خطّ و تذهیب نیز مهارت داشت. راحة الصدور را باید از آثار نثر فارسی متعلّق به اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری دانست. این کتاب تاریخ خاندان سلجوقی از ابتدای کار تا روزگار مؤلف است و در آن در باره‌ی سلاجقه‌ی عراق و آذربایجان با تفصیل بیش‌تری سخن رفته است. در پایان هم فصولی در آداب شطرنج و مسابقات تیراندازی و شکار و هنر خطاطی آمده که بسیار ارزشمند و کم‌نظیر است.

از نظر ادبی، راحة الصدور از بهترین کتاب‌های منثور فارسی است که بخش‌هایی از آن به نثر ساده و بخش‌هایی به نثر فنی و مزین نوشته شده است. در بخش‌هایی از کتاب که به نثر فنی است، استشهاد به امثال و اشعار پارسی به‌ویژه اشعار شاهنامه فراوان دیده می‌شود. نویسندگان گاهی هم قصایدی کامل از شاعران عصر خود را در کتاب آورده است.

نثرهای ادبی

در دوره‌ی مورد بحث، گاهی با کتاب‌هایی روبه‌رو می‌شویم که بیش از آن که معنا و مضمون آن‌ها مورد توجه مؤلف و ادبای پس از او قرار گرفته باشد، به نثر آن‌ها به‌عنوان یک نوشته‌ی ادبی و زیبا توجه شده است. این آغاز دوره‌ای است که در اواخر آن، لفظ‌پردازی و بازی با کلمات صرف‌نظر از معنا و مفهوم به‌عنوان یکی از شاخصه‌های نثر فنی فارسی ظاهر می‌شود.

از میان این‌گونه کتاب‌ها تنها به چند کتاب زیر به اختصار اشاره می‌کنیم.

الف) کلیله و دمنه: برخی از موادّ و فصول کتاب کلیله و دمنه را به دستور انوشیروان از هندوستان به ایران آوردند و با افزوده‌هایی به پهلوی ترجمه کردند. در قرن دوم هجری، ابن مقفّع این بخش‌ها را به عربی ترجمه کرد و در زمان سامانیان رودکی آن را به شعر فارسی درآورد. اصل آن از میان رفته و چنان‌که در سرگذشت رودکی گفته‌ایم، ابیات پراکنده‌ای از آن برجای مانده است. در سال ۵۳۶ هجری، ابوالمعالی نصرالله منشی، دبیر بهرام‌شاه غزنوی، کلیله‌ی ابن مقفّع را با نثری بسیار فصیح و زیبا و استوار و آراسته، به صورت آزاد به فارسی برگرداند و از خود هم چیزهایی بر آن افزود و آن را کلیله و دمنه‌ی بهرام‌شاهی نام گذاشت.

ابوالمعالی از مردم غزنین بود و نثر فارسی را بسیار نیکو می‌نوشت. به همین دلیل، مورد توجه بهرام‌شاه قرار گرفت و در کارهای دیوانی شرکت داده شد. او در زمان خسرو شاه، جانشین بهرام‌شاه، حتی به وزارت رسید اما ظاهراً به سعایت حاسدان مورد خشم سلطان واقع شد و به زندان افتاد و سرانجام هم، به اشاره‌ی همین پادشاه – بعد از سال ۵۵۵ هجری – به قتل رسید. اما کتاب او، کلیله و دمنه، نام وی را جاودانه کرد؛ زیرا از همان روزگار به درجه‌ای مورد توجه فارسی‌زبانان و به‌ویژه دبیران و نویسندگان قرار گرفت که به‌صورت کتاب درسی درآمد.

موضوع این کتاب تمثیل‌ها و داستان‌هایی است که از زبان حیوانات، به‌ویژه دو شغال به نام‌های «کلیله» و «دمنه»، نقل می‌شود.

نثر کتاب از لحاظ استواری انشا و ترکیب عبارات و داشتن اسلوب عالی و آراستگی



مینیاتوری از کلیله و دمنه، داستان زاغان و بومان، مکتب هرات

و پیراستگی زبان و مفردات کم نظیر است. از آن جا که نویسنده در این کتاب به سجع و موازنه و آوردن اشعار و امثال فارسی و عربی و آیات و احادیث پرداخته است، بسیاری از منتقدان کار او را سرآغاز نثر فنی فارسی و کتاب وی را نمونه‌ی عالی این سبک به‌شمار آورده‌اند. باید گفت شیخ اجل سعدی شیرازی نیز در پرداختن کتاب مشهور گلستان به همان راهی رفته است که نصرالله منشی بیش‌تر از یک قرن پیش از او گشوده بود. نه تنها سعدی بلکه بسیاری از نویسندگان از شیوه‌ی نثر ابوالمعالی تقلید کردند و تقریباً جز شیخ شیراز هیچ‌کس نتوانست در این راه، توفیق چشم‌گیری به‌دست بیاورد.

ب) چهار مقاله: درست در سال‌های میانی سده‌ی ششم هجری - یعنی حدود ۵۵۱ هجری - یکی از شاعران و نویسندگان این قرن، نظامی عروضی سمرقندی، کتابی به اسم مجمع‌النوادر پدید آورد که چون مشتمل بر چهار گفتار در باره‌ی دبیران و شاعران و منجمان و طبیبان بود، از قدیم به چهار مقاله معروف شده است.

نظامی عروضی شعر هم می‌گفته است اما شعر او هیچ‌گاه به پای هنرش در نویسندگی نمی‌رسد. وی در ابتدای هر یک از مقالات کتاب خویش، فصلی در اهمیت آن دانش آورده و آن‌گاه به ذکر حکایاتی از پیشینیان پرداخته است.

با وجود اشتباهات تاریخی فراوانی که در کتاب چهار مقاله به چشم می‌خورد و نویسنده هم ظاهراً قصد تحقیق تاریخی نداشته است، این کتاب از نظر ادبی اهمیت فراوانی دارد.

پ) مرزبان‌نامه: در واپسین سال‌های سده‌ی چهارم هجری یکی از اسپهبدان مازندران به نام مرزبان بن رستم کتابی به شیوه‌ی کلیله و دمنه فراهم آورد مشتمل بر داستان‌ها و تمثیل‌های پندآموز از زبان جانوران و انسان‌ها و آن را مرزبان‌نامه نام نهاد. این کتاب اصلاً به زبان طبری (گویش مازندران قدیم) نوشته شده بود و بعدها یکی از دانشوران عراق عجم به نام سعدالدین وراوینی^۱ آن را به فارسی تحریر و ترجمه کرد.

مرزبان‌نامه‌ی وراوینی مشتمل بر نه باب است با یک مقدمه و یک ذیل. وی برخی حکایت‌ها را در تحریر خود نیآورده و در واقع، خلاصه‌ای از کتاب را به پارسی نقل کرده است. مرزبان‌نامه را می‌توان نمونه‌ی اعلا‌ی نثر مصنوع فارسی دانست.

(۱) اهل وراوین در نزدیکی اهر



نمایی از مقبره‌ی سعدی (شیراز)

ت) گلستان: ابتکارات و رهیابی‌های ممتاز مصلح‌الدین سعدی، شیخ فرزانه‌ی شیراز، به قلمرو شعر فارسی منحصر نمی‌ماند. او چنان که خود یک بار به حق اشاره کرده، فرمانروای مسلم مُلکِ سخن – اعمّ از شعر و نثر – است. قوه‌ی ابتکار شگرف و شیوه‌ی بی‌همتا و اسلوب سهلِ ممتنعی که سعدی در تنظیم گلستان به کار برده است، کم‌تر از بوستان و غزلیات وی نیست.

اگر به یاد بیاوریم که ابتکار در شعر، پس از فردوسی و نظامی و عطار و در نویسندگی، بعد از بیهقی و ابوالمعالی تا چه پایه دشوار و نزدیک به محال بوده است، به اهمیت انقلابی که سعدی در شعر و نثر فارسی پدید آورده است بیش‌تر پی خواهیم برد. او توانسته است با استفاده از تمام شیوه‌ها و شگردهای نویسندگی فارسی، یعنی پرداختِ زیبا، فشرده‌نویسی، بهره‌وری از شعر، تمثیل و حکایت، تنوّع معانی، رنگارنگی الفاظ، دریافت‌های تیزبینانه از مسائل مهمّ اجتماعی و اخلاقی و سرانجام، ریختن همه‌ی این‌ها در ظرفی آراسته و پرداخته، ترکیب تازه‌ای در نویسندگی فارسی پدید آورد که اولاً طبایع همه‌ی نفوس را در همه‌ی دوره‌ها سیراب و سرشار می‌کند و در ثانی آهنگ و سازواری خاصی در قلمرو زبان در ذهن

و ذوق خواننده می‌نشانند و او را در برابر قدرت شگرف و مهارت بی‌چون و چرای خود به تسلیم و تواضع وامی‌دارد. از گلستان، هم رایحه‌ی نثر مسجعّ خواجه عبداللّه به مشام می‌رسد، هم نشانه‌های نثر آراسته و استوار ابوالمعالی خود را نشان می‌دهد اما در هر حال، دنیای گلستان دنیای مستقلّی است که تنها سعدی شیراز همه‌ی زوایای آن را با قلم عالم‌گیر خود مسخر کرده است.

گلستان شامل یک مقدمه و هشت باب است به این ترتیب: در سیرت پادشاهان، در اخلاق درویشان، در فضیلت قناعت، در فواید خاموشی، در عشق و جوانی، در ضعف و پیری، در تأثیر تربیت و در آداب صحبت. انشای مقدمه اندکی فنی و آراسته و استوار و دلپذیر و انشای باب‌ها ساده‌تر و طبیعی‌تر است. هفت باب نخستین کتاب دربرگیرنده‌ی حکایت‌های عبرت‌انگیز و اغلب کوتاه‌ای است که عموماً از فراورده‌های تجربی او طیّ سفر سی و پنج ساله‌اش مایه می‌گیرد. به‌ویژه که می‌دانیم گلستان در سال ۶۵۶ هجری - یعنی یک سال پس از بازگشت از آن سفر دراز - تألیف شده است. باب هشتم گلستان، بیش‌تر کلمات و جملات کوتاه و درهم فشرده‌ای است که اغلب آن‌ها، از غایت استواری و زیبایی، امروز یا به‌صورت ضرب‌المثل در میان عموم رایج است یا خود به خود، اگر نه در ضمیر و قلم عامّه‌ی فارسی‌زبانان، دست کم بر زبان و خامه‌ی نویسندگان و ادب‌دوستان گذشته و حال جریان داشته است؛ از این حیث باید سعدی را چیره‌دست‌ترین و نامورترین نویسندگان زبان فارسی دانست.

از لحاظ کیفی، گلستان فشرده و حاصل تجربیات دلپذیر و رنگارنگ سعدی است که در آن‌ها هیچ‌گونه گزینش و جهت‌یابی خاصی صورت نگرفته است. گلستان برخلاف بوستان که برای خودش دنیایی است مستقلّ و مطلوب، دست کم تصویری درست و زنده از دنیای واقعی عصر سعدی است که البته همه‌ی جوانب و جنبه‌های آن هم دلپذیر و مطلوب نیست.

خودآزمایی‌های نمونه

۱) سندباد نامه را چه کسی تحریر کرده است؟ اصل این اثر متعلّق به کدام قوم است و مؤلف آن

کیست؟

۲) خصایص نثر دینی چیست؟

- ۳) کدام اثر را قدیم‌ترین و مهم‌ترین تفسیر شیعه دانسته‌اند؟ مؤلف این اثر کیست؟
- ۴) موضوع و محتوای ترجمان‌البلاغه چیست؟
- ۵) موضوع کتاب کلیله و دمنه چیست؟ سبک آن چگونه است؟

خودآزمایی‌های نمونه‌ی بخش هشتم

- ۱) عیاران کیستند؟ در این باره توضیح دهید.
- ۲) موضوع و محتوای المعجم چیست؟ این اثر چه ارزش و جایگاهی دارد؟
- ۳) اصل کتاب مرزبان‌نامه به چه زبانی است و تألیف کیست؟
- ۴) نام دیگر چهار مقاله و موضوع آن چیست؟
- ۵) محتوا و مضمون حدائق‌السحر چیست؟
- ۶) ویژگی‌های عمده‌ی نثر سعدی را در گلستان ذکر کنید.
- ۷) گلستان شامل چه قسمت‌هایی است؟

پژوهش

مقایسه‌ی سبکی کلیله و دمنه با مرزبان‌نامه^۱